



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

مصادف با: ۱۹ ذی الحجة ۱۴۳۵

موضوع جزئی: بررسی قید «علی الاحوط» در عبارت تحریر

جلسه: ۱۸

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

از عبارتی که امام (ره) در تحریر فرمودند چند نکته باقیمانده که باید بررسی کنیم؛ عبارت امام (ره) این بود که «و يعتبر فيه بعد إخراج مؤونة الإخراج و التصفية بلوغة عشرين ديناراً أو مأتی درهم عیناً أو قيمة علی الاحوط» درباره اعتبار نصاب آن هم نصاب بیست دینار به تفصیل بحث کردیم و ادله این فتوای امام که مطابق نظر مشهور است را بیان کردیم؛ به نظر ما حق با مشهور است و ما نیز به آنچه مشهور گفته‌اند ملتزم می‌شویم و نظر مشهور قدما و ابو الصلاح حلبی قابل قبول نیست. اما بعد از اینکه معلوم شد نصاب بیست دینار است، بحث در این بود که آیا این نصاب بعد از مؤونه مراعات می‌شود یا این نصاب قبل از مؤونه معتبر است، نتیجه این شد که الحق هو ما ذهب اليه المشهور و منهم الماتن بر خلاف صاحب مدارک یعنی نصاب بعد از کسر هزینه‌ها و مؤونه معتبر است یعنی هزینه‌های استخراج و تصفیه کسر می‌شود سپس اگر باقیمانده حداقل بیست دینار بود آنگاه خمس آن واجب می‌شود. این دو مسئله‌ای بود که در این عبارت باید مورد بررسی قرار می‌گرفت.

بررسی قید «علی الاحوط» در عبارت تحریر

چنانچه سابقاً هم اشاره شد باید ببینیم قید «علی الاحوط» به کدام بخش از عبارت مربوط است؛ در اینجا سه احتمال قابل تصویر است:

احتمال اول

احتمال اول اینکه این قید به اصل حکم مربوط باشد یعنی به «و يعتبر فيه ...» متعلق شود. آنگاه معنای عبارت اینگونه می‌شود: احوط آن است که نصاب بیست دینار باشد؛ «و يعتبر فيه بلوغة عشرين ديناراً علی الاحوط»؛ طبق این احتمال کأن امام فتوا به نصاب بیست دینار نداده‌اند بلکه در مورد نصاب بیست دینار احتیاط واجب کرده‌اند که البته باید جهت آن معلوم شود.

احتمال دوم

احتمال دوم اینکه «علی الاحوط» به «مأتی درهم» برگردد؛ یعنی ملاک در نصاب بیست دینار است اما دویست درهم را علی الاحتیاط فرموده چرا که در روایت هم اشاره به دویست درهم نشده بود.

احتمال سوم

احتمال سوم این است که به قیمت برگردد «أو قيمة علی الاحوط» یعنی در واقع ملاک در نصاب عین است ولی احوط آن است که قیمت هم می‌تواند ملاک قرار گیرد.

احتمال اول اینکه ما علی الاحوط را به اصل حکم و اعتبار عشرين ديناراً برگردانیم؛ این احتمال با مشکل مواجه است و آن اینکه در ادامه عبارت امام (ره) جمله‌ای فرمودند که با این احتمال تنافی پیدا می‌کند.

توضیح: نتیجه احتمال اول این می‌شود که احتیاط واجب در باب نصاب بیست دينار است. در این صورت امام فتوا نداده اما در ادامه عبارت امام (ره) فرموده: «و الاحوط الاولى إخراج من المعدن البالغ ديناراً» احتیاط مستحب آن است که اگر معدن به یک دينار هم برسد خمس آن واجب می‌شود «بل مطلقاً» یعنی ولو کمتر از یک دينار هم باشد خمس آن بنا بر احتیاط مستحب واجب است و لازم نیست نصاب لحاظ شود. اینجا درست است امام بیست دينار را پذیرفته اما به نحو احتیاط مستحبی می‌فرماید نصاب در نظر گرفته نشود و هر چه استحصال می‌شود خمس آن بعد از کسر هزینه‌ها داده شود. اما امام در ادامه فرموده «بل لاینبغی ترکه»؛ لا ینبغی ترک الاحتیاط الاولى چون احتیاط مستحب جواز ترک دارد و با این عبارت می‌خواهند بفرمایند بلکه ترک نشود بهتر است. این جمله ظهور در احتیاط وجوبی دارد و نتیجه آن این می‌شود که احتیاط واجب آن است که مطلقاً بدون ملاحظه نصاب خمس داده شود.

حال این دو عبارت چگونه با هم سازگار است؟ اگر بخواهیم علی الاحوط را به اصل حکم و «يعتبر فيه ...» برگردانیم ملاک در نصاب بیست دينار خواهد بود یعنی احتیاط واجب آن است که نصاب معتبر است و آن هم بیست دينار است. ولی این جمله دوم ظهور در این دارد که احتیاط واجب آن است که نصاب معتبر نیست؛ اینها چطور با هم قابل جمع است؟ یا باید آن جمله دوم را توجیه کنیم مثلاً اینکه بگوییم اصلاً منظور از «لا ینبغی ترکه» احتیاط وجوبی نیست بلکه احتیاط مستحبی مؤکد است که اگر «لا ینبغی ترکه» را حمل بر احتیاط مستحب مؤکد کنیم این تنافی و ناسازگاری از بین می‌رود ولی این خلاف ظاهر است. لذا احتمال اول این مشکل را دارد.

بررسی احتمال دوم

احتمال دوم این بود که رجوع به دویست درهم بکند؛ یعنی امام ملاک را در باب نصاب، به نحو احتیاط وجوبی یا بیست دينار یا دویست درهم قرار داده بر خلاف مرحوم سید که فتوا به نصاب بیست دينار داده است. علت اینکه احتیاط وجوبی هم کرده این است که در متن روایت «مأتی درهم» نیامده است؛ در روایت به صراحت عشرين ديناراً ذکر شده اما چون عشرين ديناراً از باب مثال است و فقط خصوص این مورد ذکر شده است. لکن اگر دویست درهم باشد چون معادل بیست دينار است، این حکم در آن ثابت می‌شود. علت احتیاط وجوبی امام در باب «مأتی درهم» این باشد که در متن روایت نیامده و امام به نوعی عشرين ديناراً را مثال فرض کرده است.

لکن احتمال دوم هم دارای مشکل است و آن اینکه کلمه «علی الاحوط» را پس از چند کلمه و با فاصله ذکر کرده است. اگر می‌خواست رجوع به «مأتی درهم» بکند، این گونه باید می‌فرمود: «بلوغه عشرين ديناراً أو مأتی درهم علی الاحوط عیناً أو قیمة» لذا این احتمال هم با این مانع مواجه است.

بحث جلسه آینده: احتمال سوم اینکه این را به آن قیمت بزنیم؛ این احتمال چون تابع معنای قید «عیناً أو قیمة» است إن شاء الله در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

یعنی باید بررسی کنیم این قید که می‌فرماید «عیناً أو قيمة» به بیست دینار برسد به چه معناست و ببینیم که منظور چیست؟ مشکلی که اینجا وجود دارد این است که اگر بخواهیم «عیناً» را به این معنا بگیریم که بیست دینار یا دویست درهم از عین معدن طلا و نقره باشد، این ممکن نیست چرا که دینار طلای مسکوک است و درهم نیز نقره مسکوک و ضرب شده می‌باشد در حالی که از معدن بر فرض طلا و نقره هم که باشد، مسکوک استخراج نمی‌شود و حتی بعد از تصفیه و استخراج هنوز نیازمند ضرب می‌باشد. در معادن غیر از طلا و نقره هم مشکل وجود دارد؛ زیرا چگونه می‌توان گفت اگر عین ما استخراج به بیست دینار رسید خمس واجب است؛ مثلاً آنچه استخراج شده نفت یا روی است.

اما اگر بگوییم این در خصوص طلا و نقره است؛ اولاً این خلاف ظاهر عبارت است و ثانیاً در خصوص طلا و نقره هم اگر خواهد باشد، وصول و بلوغ به عشرين دیناراً، چه معنایی دارد؟ آیا منظور این است که از نظر وزن با آن برابر شود؟ یعنی وزن طلا و نقره هم وزن و برابر بیست دینار طلا یا دویست درهم نقره بشود؛ این مطلبی است که باید مورد رسیدگی قرار گیرد. روایت، اعتبار نصاب را مطرح می‌کند و یک حدی (عشرين دیناراً) را برای آن بیان کرده است.

اما اگر بگوییم «عشرين دیناراً عیناً» فقط در مورد طلا می‌باشد، این احتمال بعید به نظر می‌رسد.

پس سؤال این است که این «عیناً أو قيمة» در باب نصاب چه معنایی دارد و پس از آن باید احتمال سوم هم بررسی شود و سپس ببینیم کدامیک از این احتمالات اصح است.

«الحمد لله رب العالمین»